

# جامعه‌ی روستایی در بحبوحه‌ی مشروطه

ابوالفضل کریمی جاوید<sup>۱</sup>

## چکیده

در دوران قبل از انقلاب مشروطه و در بحبوحه‌ی شکل‌گیری این انقلاب، مانند ۶۰۰ سال قبل از آن، مهم‌ترین بخش تولید ثروت، کشاورزی بود که روستا نقش مهمی در این مقوله بازی می‌کرد. وضعیت جامعه‌ی ایران قبل از مشروطیت جواز ورود روستاها و جمعیت روستایی برای ایفای نقش در سیاست و حکومت را نمی‌داد و این خود دلایلی داشت که می‌توان به خودکفایی نسبی اقتصادی در روستاها، وضعیت جغرافیایی، وضعیت حمل و نقل و مواردی نظیر این‌ها اشاره کرد. در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطیت عواملی مانند کشت محصولات تجاری، ایجاد تسهیلات در حمل و نقل و مهاجرت روستاییان به کشورهای همجوار و شهرهای داخلی ایران موجب شد که آن‌ها خواستار مطالباتی از حکومت شوند. همچنین نابودی روش زمین‌داری کهن و روی آوردن به محصولات خارجی و وابستگی به خارج از روستا و فروش زمین‌های خالصه توسط حکومت که از خصایص و ویژگی‌های این دوره می‌باشد حائز اهمیت است که در مقاله به وضعیت جامعه‌ی روستایی در حول و حوش و بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: روستا، کشاورزی، انقلاب مشروطه، مالک.

## Rural Society in the Times of the Constitutional Revolution Aboalfazl Karimi Javid<sup>2</sup>

### Abstract

Just same as last 600years, before the Constitutional Revolution and in the heat of its formation, the most important factor producing wealth was agriculture and village was playing a great role in it. The situation of Iran society before the revolution avoids participating villages and rural populations for playing a role in political issues and government. Among its reasons, we can note to economic independence of the villages, the geographical situation, routes and transportation etc. Some characteristics of this period are: cultivating of trading crops, providing some facilities for transportation and emigration of the villagers to foreign countries or other cities of Iran, abolishing traditional land ownership and depending on foreign goods etc.

**Keywords:** Village, Agriculture, The Constitutional Revolution, The owner.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی / A.karimi1989@yahoo.com

<sup>۲</sup> MA Candidate of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University.

## مقدمه

روستاییان در دوره‌ی قاجار و پیشاقاجاری، از سخت‌کوش‌ترین و فقیرترین مردم در ایران بودند که جمعیت قابل ملاحظه‌ی کشور -در حدود ۵۵ درصد از کل جمعیت- را تشکیل می‌دادند. روستاییان در طول ادوار تاریخی، علی‌الخصوص در دوره‌ی قاجاریه مصائب تحمیل شده چون فشار مالکان، شرایط سخت کشت و کشتار و ستم حکام و فرستادگان آن‌ها، نمایندگان حکومت مرکزی و از این قبیل کارها را تحمل نمی‌کردند. در حول و حوش انقلاب مشروطه، کشاورزان باید همچون سال‌های گذشته، تمامی سنگینی مالیات و مخارج طبقه‌ی حاکم را به دوش می‌کشیدند. چون که مالیات اراضی در بین منابع و درآمد حکومت در رده‌ی اول حائز اهمیت بود، به هر شیوه و به هر طریق ممکن باید از کشاورزان مالیات گرفته می‌شد.

اگرچه جامعه‌ی روستایی اصلی‌ترین تولیدکننده‌ی کشور بود ولی به لحاظ این که اکثریت جمعیت کشور در روستاها قرار داشت، مصرف‌کننده‌ی بزرگی نیز به شمار می‌آمد؛ ولی از لحاظ مصرف جوامع روستایی ایران بیشتر خودکفا بودند و این خودکفایی، از عوامل کندکننده‌ی ترقی و رشد سرمایه‌داری و رشد اقتصادی و سیاسی در ایران بود.

### اوضاع جامعه‌ی روستایی ایران در اواخر قرن ۱۳ ق.ه

در منابعی دوره‌ی قاجار که به وسیله‌ی ایرانیان و یا فرنگی‌ها تالیف گردیده، وضع جوامع روستایی ایران، خصوصا در سفرنامه‌ها رضایت بخش توصیف نشده است. به عنوان مثال فریزر «دهقان ایرانی را صاحب ذخیره‌ی سهمی کوچک از غلات» نوشته است.<sup>۳</sup> از سفرنامه نویسان داخلی نیز نوشته‌های محمد علی سیاح نمونه‌ی خوبی برای شناخت جوامع روستایی این دوره است. او «روستایی ایرانی را نمونه‌ی مسلمی برای درک مفهوم ظلم می‌داند و تمامی لباس آن‌ها را به قیمت جُل یک اسب از طبقه‌ی ثروتمند جامعه ندانسته است.»<sup>۴</sup>

در حقیقت، اقتصادی که بر جامعه‌ی روستایی حاکم بود اقتصاد بخور و نمیر به شمار می‌رفت و در طول دوران در این جوامع سایه افکنده بود. البته اوضاع طبیعی ایران نیز مقوم این اوضاع بود و بیشتر روستاها و حتی شهرها کاملا از هم جدا افتاده بود و از نظر اقتصادی مستقل و

<sup>۳</sup>. جیمز بیلی فریزر، سفرنامه‌ی فریزر، ترجمه و حواشی منوچهر امیری (تهران: توس، ۱۳۶۴)، ص ۲۰۴.

<sup>۴</sup>. محمد علی سیاح، سفرنامه‌ی حاج سیاح، به کوشش علی دهباشی (تهران: شهاب ثاقب و سخن، ۱۳۶۳)، ص ۱۳۷.

بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی و صنایع دستی را خودشان تولید و مصرف می‌کرده‌اند.<sup>۵</sup> اوضاع فرهنگی نیز در بین جوامع روستایی یکدست نبود و در منابع این دوران، گزارش‌های فراوانی در مورد کشمکش و زد و خورد روستاها و روستاییان بیان شده است.<sup>۶</sup> که گاهی این درگیری‌ها در قالب پوشش‌های فرقه‌ای نیز خودنمایی می‌کرد.<sup>۷</sup> به طور کلی ساختار قومی و روستایی ایران مثل موزاییک عجیبی بود که اجزای تشکیل دهنده‌ی آن رنگ‌ها و اندازه‌ی متفاوتی داشت. اگر واژه‌ای برای توصیف این واقعیت وجود داشته باشد، آن واژه «تنوع قومی» خواهد بود زیرا با زندگی روستاییان، بین قبایل خانه به دوش و مردم شهری اختلاف زیادی حاکم بود، همچنین بین سنی‌ها و شیعیان، مسلمانان و غیر مسلمانان، دوازده امامی‌های مجتهدی و سایر شیعیان اختلاف زیادی حاکم بود، افزون بر این باید تفاوت‌های زبانی و لهجه‌ای به ویژه میان فارسی‌زبانان، آذری‌ها، کردها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و گیلک‌ها و مازندرانی‌ها نام برد<sup>۸</sup> که این عوامل نیز مانع تعامل روستاها و روستاییان در آن دوران بود. این روند تا اواخر قرن ۱۳ ه.ق که کشاورزی ایران درگیر مسائلی چون تجاری شدن و اقتصاد جهانی بود همچنان ادامه داشت و در دوره‌ی مشروطه به صورت کاملی احساس می‌شود.

## خودکفایی جامعه‌ی روستایی

جمعیت روستایی در گذر زمان در روستاهای پراکنده، تقریباً خودکفا و هماهنگ زندگی می‌کردند و رعایا علیرغم وابستگی به زمین تا آخر عمر در همان روستا که به دنیا می‌آمدند زندگی می‌کردند و غالباً جز روستاهای همجوار خود، به مناطق دیگر نمی‌رفتند.<sup>۹</sup> اگر چه در مواردی مجبور به مهاجرت می‌شدند، از جمله زمانی که از عهده‌ی تعهدات خود بر نمی‌آمدند و شرایط ماندن برای آن‌ها غیر قابل تحمل می‌شد.<sup>۱۰</sup>

<sup>۵</sup> پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی (تهران: نشرنی، ۱۳۸۹)، ص ۱۷.

<sup>۶</sup> محمد حسن خان اعتماد السلطنه، مرات البلدان، ج ۴ (تهران؛ بی نا؛ ۱۳۵۱)، صص ۲۵۴-۲۵۲.

<sup>۷</sup> جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به اهتمام عباس اقبال (تهران: بی جا، بی تا)، صص ۲۷۲-۲۷۱.

<sup>۸</sup> آبراهامیان، ص ۲۵.

<sup>۹</sup> احمد اشرف، دهقان، زمین و انقلاب مسائل ارضی ایران (تهران: کتاب آگاه، ۱۳۶۱)، ص ۶.

<sup>۱۰</sup> دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶ ق و ۱۳۰۷ ق، به تصحیح و اهتمام سید علی آل داوود (تهران: انتشارات

امیرکبیر، ۱۳۷۷)، ص ۵۳.

جمعیت و ساکنین روستا بیشتر نیازهای خود را از همان جا فراهم می‌کردند و رابطه‌ی یک طرفه با شهرها داشتند. بسیاری از مورخان و سیاحان معتقد بودند که تا زمان رشد تجارت و بازرگانی در نیمه دوم سده‌ی نوزدهم، اکثریت روستاها و قبایل تقریباً مستقل، عملاً خودکفا و از لحاظ اقتصادی خودمختار و اغلب خودگردانند. در حالی که به جز برخی کالاها، آن هم از نیمه‌ی دوم سده‌ی ۱۳/۱۹م به بعد، همچون چای و شکر از شهر، فراورده‌های دیگری دریافت نمی‌کردند.<sup>۱۱</sup>

شرایط اقلیمی ایران، پراکندگی اجتماعات اسکان یافته را سبب ساز شد. پراکندگی و دوری اجتماعات از یک سو شرایط سخت جغرافیایی از سوی دیگر باعث شد که سطح تولیدات کشاورزی در ایران پایین مانده و عمدتاً از حد نیازهای مصرفی خود تولیدکنندگان فراتر نرود. عدم اضافه تولید بالطبع باعث شد که یافتن بازار، صدور کالا و ضرورت تجارت کمتر به وجود آید.<sup>۱۲</sup> همچنین فقدان آب یا حمل و نقل ماشینی، از رشد یک بازار اصلی جلوگیری می‌کرد که این مسئله در تولیدات کم، فقر روستاییان، زندگی بر پایه‌ی اقتصاد طبیعی و تماس کم آن‌ها با بازار، نقش اساسی بازی می‌کرد<sup>۱۳</sup> که به نوبه خود مانع رونق و رشد تجارت و باعث فقر اکثریت جمعیت روستایی می‌شد.

### جامعه‌ی روستایی و تاثیر شرایط نیمه‌استعماری بر آن

جامعه‌ی روستایی ایران که سده‌ها بدون دگرگونی خاص به زندگی خود ادامه می‌داد، خود را در اوضاع و احوالی متفاوت یافت و زندگی روستایی ابتدا به آرامی و سپس با سرعت زیادی دگرگون شد و این زمانی بود که ایران به اقتصاد جهانی پیوند خورد و جامعه روستایی و بخش کشاورزی در سازگاری با اوضاع جدید که خصایص نیمه‌استعماری و وابسته داشت، در جریان دگرگونی قرار گرفت. به گفته‌ی لمبتون در کتاب مالک و زارع در مورد مسئله‌ی زمین‌داری و وضع و موقع مالک و زارع باید دانست که انقراض نهایی روش قدیم زمین‌داری از خواص دوره‌ی قاجاریه است و اعطای مشروطیت را می‌توان علامت ظاهری انحلال راه و رسم کهن دانست اما این

<sup>۱۱</sup>. آبراهامیان، ص ۱۸.

<sup>۱۲</sup>. صادق زیبا کلام، ما چگونه ما شدیم (تهران: انتشارات روزنه، بی تا)، ص ۸۲.

<sup>۱۳</sup>. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه‌ی یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص ۴۰۱.

تغییرات به تدریج صورت گرفت و تحول وضع قدیم به جدید ناگهانی نبود.<sup>۱۴</sup> همچنین در وضعیت نیمه استعماری، دو نیروی استعمارگر در حوزه‌های نفوذ اقتصادی و سیاسی خویش در سرزمینی به رقابت با هم می‌پرداختند، بدون آن که سرزمینی را به روش استعمار کهن اداره کنند.<sup>۱۵</sup>

بخش کشاورزی در این اوضاع می‌بایست محصولی تولید می‌کرد که مورد نیاز بازار جهانی بود و از طرفی، نقدینگی لازم برای واردات مصنوعات تولیدی در حال پیشرفت اروپایی را فراهم می‌ساخت و این عامل مهمی در تحول جامعه‌ی روستایی بود. عامل دیگر در این تحول، رشد مراکز شهری و مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها و تجارت با جوامع شهری بود. بسیاری از تجار شهری با خرید زمین و توسعه‌ی کشت محصولات نقدی آور، در مسیری جدید برای کسب سود بیشتر قرار گرفتند. هر چه از سال‌های قرن ۱۹ م سپری می‌شد، کشور به اقلام صادراتی بیشتری نیاز پیدا می‌کرد، زیرا برای صادرات روزافزون خود به نقدینگی بیشتری نیازمند بود. به تدریج در نظام سنتی تولید کشاورزی ایران تغییر و تحولاتی روی داد که هدفمند و قانونمند درون این نظام نبود. تغییراتی که در تجارت خارجی ایران، در ارتباط با تجارت جهانی روی داده بود و بر الگوی کشاورزی ایران هم تاثیر داشت، محصول پیشرفت کشورهای اروپایی بود. دیگر نمی‌توانیم کشاورزی این دوران را کشاورزی معیشتی قلمداد کنیم. در این زمان کشاورزی به خوبی در اقتصاد کشور ادغام شده بود و روابط بازرگانی گسترش چشمگیری پیدا کرده بود.<sup>۱۶</sup> اما این تغییرات و تحولات در نظام کشاورزی ایران نتیجه‌ی خود را به طور اعم بر تمام کشور و به خصوص بر جامعه‌ی روستایی گذاشت؛ به عبارتی رواج کشت محصولات تجاری در ایران، شاید انسان را تنها متوجه تاثیرات اقتصادی آن سازد، اما بدون شک تاثیراتی که در معاملات اجتماعی و سیاسی کشور بر جای نهاد غیرقابل انکار است، که می‌توان آن را به شکل زیر دسته بندی کرد:

۱. قرار گرفتن ایران در مسیر توسعه‌ی تجارت خارجی کشورهای مثل روس و انگلیس، یک نتیجه‌ی دیگر هم داشت و آن از بین رفتن صنایع داخلی کشور بود.

---

<sup>۱۴</sup>. آن لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه‌ی منوچهرامیری (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷)، ص ۲۸۵.

<sup>۱۵</sup>. اشرف، ص ۴۶.

<sup>۱۶</sup>. جان فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۰)،

۲. شورشی که در کشور به سبب قرارداد رژی در سال ۱۸۹۰ م، به وقوع پیوست، سرآغازی برای جنبش‌های بعدی شد که برگرفته از تأثیرات اجتماعی و سیاسی این جریان بود.

۳. تعطیلی کارگاه‌های صنایع دستی کشور و ترک روستاها توسط دهقانان، جمعیت انبوهی از کارگران ایرانی را وادار به مهاجرت کرد که یکی از نتایج بارز این مهاجرت‌ها آگاهی بیشتر سیاسی و اجتماعی بود که در انقلاب مشروطیت تأثیر داشت.

۴. بسیاری از تجار شهری با خرید زمین و توسعه‌ی کشت محصولات نقدی آور، گرچه برای مدت کوتاهی نقدینگی قابل توجهی را وارد کشور کردند ولی نتیجه‌ی تولید در این شکل بروز قحطی‌های متوالی در کشور بود.

۵. علاوه بر قحطی، از عوامل زیان بخش دیگر کشت و تولید تریاک، به لحاظ اقتصادی، رواج و گسترش اعتیاد به تریاک در میان روستاییان و مناطق شهری بود. می‌توان گفت که ایران در مسیر تامین احتیاجات و مواد خام اروپا قرار گرفته بود و تغییراتی که در الگوی تولید، خصوصاً در کشاورزی روی داد به نفع داخل نبود. در مورد مسئله‌ی مالکیت حتی بعد از اعطای فرمان مشروطیت، مسئله‌ی مالکیت و زمین‌داری اصولاً از بعضی جهات به همان حالی که در قرون وسطی داشت باقی ماند. از این گذشته، قسمت اعظم قدرت همچنان در دست مالکان و خوانین عشایری باقی ماند و تنها هنگامی که رضاشاه زمام امور را به دست گرفت این وضع به کلی تغییر کرد.<sup>۱۷</sup>

در نیمه‌ی دوم قرن ۱۳ ه.ق، هزاران دهقان و شهرنشین از ایالات جنوبی و مرکزی در جستجوی کار به سواحل دریای خزر مهاجرت کردند و عده‌ی زیادی از کشاورزان آذربایجانی و گیلانی خیل عظیم بیکارانی را تشکیل می‌دادند که در جستجوی شغل روانه‌ی قفقاز و آسیای میانه شدند. اکثر این کارگران در کارهای معمولی و ساده مورد استفاده قرار می‌گرفتند و شاید به سبب فقر و تنگدستی، از طرف مردم میزبان هم بسیار تحقیر می‌شدند. آن‌ها به عنوان کارگران کشاورزی دستمزد نقدی می‌گرفتند و یا بخشی از محصول را دریافت می‌کردند. در مورد تعداد دقیق ایرانیان مهاجر در قفقاز آمار دقیقی در دست است که تعداد فراوان آن‌ها را نشان می‌دهد.

زین العابدین مراغه‌ای در سیاحت نامه، شمار ایرانیان ساکن قفقاز را شصت هزار نفر دانسته است.<sup>۱۸</sup>

ناظم الاسلام در نامه‌ای برای یکی از مجتهدان بزرگ تهران در مرداد ۱۲۸۵ ه.ش، تعداد ۵۰ هزار نفر ایرانی که بر اثر ظلم و ستم مقامات دولتی، کشور خود را ترک کرده و در باکو به سر می‌برند را خاطر نشان کرده است. او کل جمعیت مهاجر ایرانی به روسیه را یک میلیون نفر ذکر کرده است.<sup>۱۹</sup>

می‌توان گفت که این کارگران، بسیاری به صورت فصلی به مهاجرت می‌پرداختند و چون با مبدا خود قطع ارتباط نمی‌کردند، حامل افکار تند انقلابی از مناطقی همچون قفقاز به ایران بودند. آن دسته هم که به صورت دائم ساکن شده بودند، به زودی در زمره‌ی انقلابیون آینده‌ی قفقاز قرار گرفتند. ولی با این همه، به گفته فوران، دهقانان، ایلات و عشایر و دولت‌های خارجی در وقوع انقلاب مشروطه، مداخله به مراتب کمتری داشتند.<sup>۲۰</sup>

حکومت با صرف مبالغی در توسعه‌ی تجارت داخلی و خارجی ایران در قرن نوزدهم، موجب توسعه‌ی ارتباطات نیز شد و این امر در وحدت و تمرکز امور و انتقال مفاهیم آزادی خواهی نقش به‌سزایی بازی کرد. یافته‌های مهاجران در قفقاز و سایر کشورها در بیداری مردم موثر افتاد و به طور کلی تحولات در تجارت خارجی ایران در قرن ۱۳ ه.ق، علاوه بر تاثیرگذاری در اقتصاد اربابی و خصوصاً کشاورزی بلکه زمینه‌ی انقلاب مشروطیت را نیز پایه ریزی نمود.

### ساختار اجتماعی جامعه‌ی روستایی

در جوامع روستایی ایران، نوعی قشربندی و طبقه‌بندی‌هایی وجود داشت که این قشربندی از لحاظ مرغوب بودن خاک، دوری و نزدیکی به شهر، وسعت و جمعیت روستاییان تفاوت داشت. دهقانان در جوامع در روستاها عموماً به سه طبقه تقسیم می‌شوند:

- دهقانان مرفه که از قطعه زمینی متعلق به خود برخوردار بودند.
- دهقانانی که وضعیت سهم بری داشتند و به طور کلی وضع مناسبی نداشتند.

---

<sup>۱۸</sup>. زین العابدین مراغه‌ای، سیاحت نامه ابراهیم بیگ (تهران: سپید، ۱۳۶۴)، ص ۲۶.

<sup>۱۹</sup>. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۱ (تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۷)، ص ۳۵۹.

<sup>۲۰</sup>. فوران، ص ۲۷۲.

- خوش نشینان که پایین ترین قشر روستاییان را تشکیل می‌دادند و در ازای دریافت مزد از اربابان یا دهقانان مرفه کار می‌کردند.

در رابطه با وضعیت روستاییان در ایران قرن نوزدهم و درک وضعیت آن‌ها، به اظهارنظرهای فراوان در منابع برخورد می‌کنیم. برای مثال لمبتون در بررسی‌های خود، اسراف و تبذیر دربار و مخارج دستگاه اداری مملکت و نگهداری قشون، بار سنگین تامین هزینه‌ها را بر دوش روستاییان ایران وارد دانسته، زیرا در این دوره، مانند ادوار سابق، مهم ترین منبع ثروت کشور عبارت از زمین‌های زراعتی و محصول‌های آن‌ها بوده است. لمبتون به ویرانی پاره‌ای از روستاهای ایران و مهاجرت مردم از آن مناطق نیز اشاره نموده است.<sup>۲۱</sup>

فریزر نیز در جایی، دهقانان را صاحب ذخیره‌ی کوچکی از غلات تولیدی خود ندانسته.<sup>۲۲</sup> که در زمان‌های قحطی نیز این گروه‌های پایین طبقه آسیب پذیرتر می‌شدند. هانری رنه دو، جهانگرد فرانسوی در این خصوص می‌نویسد «... بالای قحطی از عدم نظم و ترتیب زراعتی تولید می‌شود ... زارع باید زیاد کار کند و سود کمی از دسترنج خود ببرد. تقریباً هشت دهم حاصلی که به عمل می‌رود، به مالک تعلق می‌گیرد و دهقان مجبور است به سختی و قناعت امرار معاش کند.»<sup>۲۳</sup>

تغییر و تحولاتی که در دوره‌ی انقلاب مشروطیت نقش بارزی ایفا کرد، نوعی ایجاد وابستگی به خارج کشور به خصوص در اقلامی‌مانند قند و چای بود که نسبت به این تحولات نمی‌توان زیاد خوشبین بود. همچنین مهاجرت گسترده از روستاها به شهرها و مناطق داخلی کشور و مهاجرت آن‌ها به خارج از کشور یکی از دلایل مهم گسترش افکار جدید غرب و انقلاب در میان مردم و حتی گاهی در میان جمعیت روستایی بود. به طور کلی نمی‌توان وضع روستاییان را در شمال کشور با وضع روستاییان ایالات جنوبی ایران، مقایسه کرد و حتی در یک روستا همه‌ی مردم دارای یک موقعیت برابر نیستند. از نیمه‌ی قرن سیزدهم ه.ق، اوضاع روستایی ایران با توجه به شرحی که داده شده رو به دشواری و وخامت گذاشت، یعنی روند رو به رشد محصولات تجاری باعث عدم توجه به کشت محصولات معیشتی شده و این موضوع مستقیماً

<sup>۲۱</sup>. لمبتون، ص ۲۸۶-۲۸۷.

<sup>۲۲</sup>. فریزر، ص ۲۰۴.

<sup>۲۳</sup>. احمد کتابی، قحطی‌های ایران (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۳۸.



بر وضعیت تغذیه و مصرف روستاییان تاثیر گذاشت. به عنوان مثال در قحطی بزرگ ۸-۱۲۸۷ ه.ق، علاوه بر مردم شهری، تعداد فراوانی از روستاییان و جمعیت عشایر هم جان خود را از دست دادند.<sup>۲۴</sup> در این قحطی، پادشاه مملکت به جای توجه به علل اصلی بروز کم‌یابی و چاره‌اندیشی در جهت رفع آن و مجازات عاملان و مسئولان واقعی آن، به دستگیری افراد بی گناه و اخراج گدایان از شهر فرمان می‌دهد.<sup>۲۵</sup>

مشکلات حمل و نقل نیز عامل بزرگی در تشدید این وضع بود؛ تا اوایل قرن بیستم، از وسایل حمل و نقل موتوری و نیز راه‌های آسفالت‌ه و شوسه در ایران خبری نبود و ارتباط بین شهرها و مناطق روستایی و شهری، به وسیله‌ی راه‌های مال رو و کاروان رو و احياناً اندکی راه‌های مخصوص عبور کالسکه و دلیجان تامین می‌شد<sup>۲۶</sup> و این عامل موجب شد که در جایی مثل اصفهان عده‌ی فراوانی از مردم آن از گرسنگی بمیرند. در این حین در خوزستان غله به اندازه‌ی کافی یافت می‌شد و اقدامات حکومت وقت نیز مانع از مرگ و میر مردم شد.<sup>۲۷</sup> مارکام نیز به این مورد اشاره کرده،<sup>۲۸</sup> و پولاک هم سستی و ندانم کاری حکومت‌ها را از مهم‌ترین دلایل بی توجهی به جاده سازی می‌داند.<sup>۲۹</sup> البته فقدان امنیت و استقرار اشرار باجگیر در گردنه‌ها و راه‌های منتهی به شهر، از عوامل تشدید قحطی بود.<sup>۳۰</sup>

## مالکیت زمین در روستاهای ایران

زمین و کشاورزی از مهم‌ترین عوامل سرمایه گذاری و منشأ قدرت اقتصادی در طول تاریخ ایران بود؛ زیرا زمین منبع ثروت زمین داران بزرگ و فرمانروایان و نیز به عنوان سرچشمه‌ی مالیات،

---

<sup>۲۴</sup> . محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد حسین رضوانی، ج ۳ (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۲۷۰.

<sup>۲۵</sup> . احمد کتابی، همان، ص ۸-۹۷.

<sup>۲۶</sup> . همان، ص ۳۶.

<sup>۲۷</sup> . نظام السلطنه مافی، خاطرات و اسناد، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، صص ۵۲-۵۶.

<sup>۲۸</sup> . کلمنت مارکام، ایران در دوره‌ی قاجاریه، ترجمه‌ی میرزارحیم فرزانه (تهران: نشر فرهنگ ایران، ۱۳۶۷)، صص ۷۴-۷۱.

<sup>۲۹</sup> . یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۳۰۱.

<sup>۳۰</sup> . کتابی، ص ۳۷.

منبعی برای نگهداری ارتش بود.<sup>۳۱</sup> علاوه بر آن در جوامع کم رشدی مثل ایران قرن نوزدهم، که بیشترین جمعیت جهان، همچون جوامع کم رشد دیگر، به کار کشاورزی مشغول بودند،<sup>۳۲</sup> اهمیت زمین و مالک آن بیشتر معلوم می‌شود و مالکیت زمین نشان از نفوذ و قدرت اشخاص در جامعه بود. نفوذ به طبقه‌ی مالک نیز دشوار نبود (بر خلاف اروپا). از این رو قرن نوزدهم ایران، قرن مالک شدن تعداد زیادی از تجار ایرانی محسوب می‌شود. چنانچه در اواخر این قرن و اوایل قرن بیستم، تجار در همه جای کشور صاحب مستغلاتی شدند.<sup>۳۳</sup> اگر چه نحوه‌ی مالکیت در مناطق ایران تفاوتی با هم داشت. مثلاً در یزد که تملک آب اساس مالکیت بود. ولی به اعتقاد اوین «سازمان و نحوه‌ی مالکیت در ایران، تقریباً به یک شکل بوده است.»<sup>۳۴</sup>

نحوه‌ی مالکیت در ایران قبل از مشروطیت و حتی پیش از اصلاحات ارضی در سال ۴۲ به این گونه می‌باشد:

۱. زمین‌های خاصه یا شاهی، شامل زمین‌هایی که به خاندان سلطنتی تعلق داشت.
۲. زمین‌های خالصه یا دولتی، شامل زمین‌ها و اراضی‌ای که به دولت تعلق داشت.
۳. زمین‌های وقفی، اراضی‌ای که برای مقاصد مذهبی و عام المنفعه وقف می‌شدند.
۴. زمین‌های اربابی، زمین‌ها و دهاتی که در اختیار مالکان عمده قرار داشت.<sup>۳۵</sup>
۵. زمین‌های خرده مالکی، اراضی یک روستا که به تعداد بیشتری مالک تعلق داشت. در بین ایالات، مالکیت زمین‌ها به صورت اشتراکی وجود داشت و در مناطق کویری نیز زمین‌های اشتراکی وجود داشت که به «بنه» مشهور بود در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه، شاهد انقراض نهایی، روش زمین‌داری در ایران هستیم. لمبتون معتقد است این انقراض را از ویژگی‌های دوره‌ی قاجاریه و اعطای مشروطیت را علامت ظاهری آن می‌داند.<sup>۳۶</sup> او همچنین معتقد است که طبقه‌ی بیرون از روستا (مالکان غایب) در سده‌ی نوزدهم بر جوامع روستایی تحمیل شده بود.<sup>۳۷</sup>

<sup>۳۱</sup> . غلامرضا انصاف پور، تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، ج ۱ (تهران: اندیشه، ۱۳۵۵)، ص ۱۴۵.

<sup>۳۲</sup> . ایو لکست، جهان سوم و پدیده‌ی کم رشدی، ترجمه‌ی منیر جزئی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲)، ص ۴۴.

<sup>۳۳</sup> . ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ ایران در دوره‌ی قاجار، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، ج ۲ (تهران: توس، ۱۳۶۵)، ص ۱۶۱.

<sup>۳۴</sup> . اوژن اوین، ایران امروز، به اهتمام عباس اقبال (تهران: بی نا؛ ۱۳۳۷)، ص ۳۲.

<sup>۳۵</sup> . م، پالویچ، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه‌ی م هوشیار (بی جا؛ بی نا، بی تا)، ص ۷.

<sup>۳۶</sup> . لمبتون، صص ۲۸۸-۸۸۷.

<sup>۳۷</sup> . همان، ص ۳۷.

او این تحولات را بسیار تدریجی و یکی از دلایل آن را تزلزل حکومت دانسته که یکی از این دلایل، نیازهای شدید دستگاه سلطنتی بوده. اوج این فروش‌ها به پیشنهاد امین‌السلطان و در عصر ناصرالدین‌شاه صورت گرفت<sup>۳۸</sup> که این املاک به «خالصجات انتقالی»<sup>۳۹</sup> مشهور است.

### تعهدات روستاییان در مقابل مالکان

روستاییان تعهد داشتند سالانه بهره از محصول خود را به مالکان بدهند که در تقسیم پنج عامل را در نظر می‌گرفتند که این‌ها «زمین، آب، چهارپا، بذر و نیروی انسانی» می‌باشند<sup>۴۰</sup> و بر این اساس محصول بین مالک و زارع تقسیم می‌شد که این شکل که رایج‌ترین نوع کشاورزی در ایران بود و به مزارعه موسوم می‌باشد.

پرداخت جنسی به مالکان، رایج‌ترین نوع پرداخت بهره‌ی مالکان بود و این پرداخت بر اساس محصول، نوع زمین (دیمی، آبی)، نحوه‌ی آبیاری و رسوم محلی در مناطق مختلف متفاوت بود. در اواخر قرن نوزدهم و در آستانه‌ی انقلاب مشروطه، تغییراتی در پرداخت مالکانه مشاهده می‌شود و زمین‌هایی که در مجاورت شهرها قرار داشتند و زمین‌هایی که به کشت محصولات صیفی و باغداری اختصاص داشتند، از آن‌ها بیشتر بهره‌ی نقدی گرفته می‌شد و یا مقدار معینی به صورت نقدی از دهقان اخذ می‌شد. به هر صورت، سهم بری معمولی‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌ی تقسیم محصول میان مالک و دهقان بود و مرحله‌ی نقدی شدن بهره، به صورت کند و تدریجی پیشرفت می‌کرد. روستاییان علاوه بر پرداخت مالکانه، ملزم به پرداخت مالیات بودند که از همه اخذ می‌شد و برای زمین‌های دولتی و شخصی شاه ترکیب «بهره- مالیات» در نظر گرفته می‌شد.

مالیاتی هم به نام «بنیچه» از روستاییان اخذ می‌شده که شامل سرباز و نوکر برای دولت بود که هر روستا می‌بایست تهیه می‌کرد. مالیات به هر صورت از روستاییان گرفته می‌شد حتی

---

<sup>۳۸</sup>. همان، ص ۵۳۶.

<sup>۳۹</sup>. همان جا.

<sup>۴۰</sup>. همان جا.

مواقع خشکسالی نیز ملزم بودند بخشی از مالیات را بپردازند و با پیشکش و هدیه دادن، میزان مالیاتی را گاهی راضی به کاهش مالیات می‌ساختند.<sup>۴۱</sup>

علاوه بر این‌ها، دهقانان وظایف دیگری در قبال استفاده از زمین داشتند:

۱. مالکین برای برداشت مالکانه برای هر روستا، چند سوار و یک مباشر معین می‌کردند. مخارج این چند نفر به عهده‌ی زارعین بود.

۲. حمل سهمیه‌ی ارباب به منزل وی یا بازار فروش، به عهده‌ی زارعین بود.

۳. در فصل زمستان اسب‌های مالک بین زارعین تقسیم می‌شد و زارعین مجبور بودند در مدت سه تا چهار ماه به خرج خود آن‌ها را نگهداری نمایند.

۴. بیگاری برای مالک برای ساختن خانه.

۵. تهیه‌ی وسایل سوخت برای «ارباب» به عهده‌ی زارعین بود.

۶. قاصدین از بین دهقانان انتخاب می‌شدند و حمل نامه‌ها بین چاپارخانه‌ها به عهده‌ی آن‌ها بود.

۷. در صورتی که مالک جنسی خریداری می‌کرد، در هر فاصله حمل آن به عهده‌ی زارعین بود<sup>۴۲</sup> و چند مورد دیگر نیز از این قبیل خدمات برعهده‌ی زارعین بود.

در زمینه‌ی مالیات هم همیشه به صورت انسانی و مسالمت‌آمیز از دهقانان اخذ نمی‌شد و یکی از دلایل نارضایتی مردم در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت همین بود. مانند فروش تعدادی از اهالی روستاهای خراسان [دختران قوچانی] برای بردگی به ترکمن‌ها.<sup>۴۳</sup> نمونه‌ای از این زیاده روی‌ها است. پولاک نیز در مورد خشونت ماموران می‌نویسد: «هر گاه نظامیان به دهی نزدیک می‌شوند، اهالی به وحشت افتاده و با دار و ندارشان به کوه می‌گریزند.<sup>۴۴</sup>» رعیت علاوه بر بهره‌ی مالکانه می‌بایست پیشکش هم می‌داد و از پول گرفته تا اقلام و محصولات کشاورزی و دامداری را شامل می‌شد.

۴۱. مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی شوشتری (تهران: بی نا، ۱۳۶۷)، ص ۱۲.

۴۲. پالویج، صص ۱۱-۱۲.

۴۳. مجدالاسلام کرمانی، ص ۹۹.

۴۴. پولاک، ص ۳۱۸.

## نتیجه‌گیری

در بحبوحه‌ی مشروطیت جمعیت بزرگی (۵۵ درصد) در روستاهای ایران زندگی می‌کردند. این جمعیت اگر چه از لحاظ اقتصادی تا حد زیادی خودکفا بودند، ولی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌بردند. علل این وضعیت نظام ارباب-رعیتی که ویژگی اکثریت روستاهای کشور بود، می‌باشد. همچنین تماس با تجارت جهانی که شیوه‌ی تولید خاص خود را داشت و محصولات معیشتی جای خود را به محصولات تجاری داد که این در طولانی مدت موجب قحطی در کشور گردید. به علاوه وضعیت جغرافیایی و وضع حمل و نقل و راه‌ها نیز موجب تماس کم روستاها و حتی شهرها با هم می‌شد که این وضع نابسامان را تشدید می‌کرد. هم‌چنان که روستا منبع مهم درآمد دولت بود که از طریق مالیات اخذ می‌شد. در دوره‌ی بروز این انقلاب، این یکی از عوامل مهم نارضایتی مردم از حکومت بود. این دوره دوره‌ی ورود ایران به تجارت جهانی بود که مردم را نیازمند به کالاهای وارداتی می‌کرد. همچنین فروپاشی روش کهن زمین داری است که به اعتقاد بسیاری، انقلاب مشروطه یکی از پیامدهای آن است. از عوامل دیگر مشروطیت، مهاجرت روستاییان به ممالک همجوار که در آن‌ها وضعیت سیاسی متفاوت با ایران بود نیز می‌باشد.

## کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب. ترجمه‌ی احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی. تهران: نشرنی، ۱۳۸۹.
- اشرف، احمد. دهقانان، زمین، انقلاب، مسائل ارضی و دهقانی. تهران: کتاب آگاه، ۱۳۶۱.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. مرات البلدان. ج ۳ و ۴. تهران: بی نا، ۱۳۵۱.
- \_\_\_\_\_ . تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح محمد حسین رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- انصافپور، غلامرضا. تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی. تهران: اندیشه، ۱۳۵۵.
- اوبن، اوژن. ایران امروز. به اهتمام عباس اقبال. تهران: بی نا، ۱۳۳۷.
- پالویچ، م. انقلاب مشروطیت و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن. ترجمه‌ی م. هوشیار. بی جا: بی نا، بی تا.
- پولاک، یاکوب ادوارد. سفرنامه‌ی پولاک. ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- جهانگیر میرزا. تاریخ نو. به اهتمام عباس اقبال. تهران: بی نا، بی تا.
- دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶ ق و ۱۳۰۷ ق. به تصحیح و اهتمام سید علی آل داوود. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- سیاح، محمدعلی. سفرنامه‌ی حاج سیاح. به کوشش علی دهباشی. تهران: شهاب ثاقب و سخن، ۱۳۶۳.

- شوستر، مورگان. اختناق ایران. ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی شوشتری. تهران: بی نا، ۱۳۶۷.
- زیباکلام، صادق. ما چگونه ما شدیم. تهران: روزنه، ۱۳۸۰.
- عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار. ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹.
- فلور، ویلم. جستارهایی از تاریخ ایران در عصر قاجار. ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۶۵.
- فریزر، جیمز بیلی. سفرنامه‌ی فریزر. ترجمه و حواشی منوچهر امیری. تهران: توس، ۱۳۶۴.
- فوران، جان. مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران. ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۰.
- کتابی، احمد. قحطی‌های ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
- لکست، ایو. جهان سوم و پدیده‌ی کم‌رشدی. ترجمه‌ی منیر جزی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- لمبتون، آن. مالک و زارع در ایران. ترجمه‌ی منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- مارکام، کلمنت؛ ایران در دوره‌ی قاجاریه؛ ترجمه‌ی میرزازحیم فرزانه؛ تهران؛ نشر فرهنگ ایران؛ ۱۳۶۷
- مراغه‌ای، زین العابدین. سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیک. تهران: سپید، ۱۳۶۴.
- نظام‌السلطنه مافی، حسینقلی خان. خاطرات و اسناد. به کوشش معصومه مافی. منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- ناظم الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. به کوشش به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. ج ۱. تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۷.